

# [Afghanistan Digital Library](http://hdl.handle.net/2333.1/dz08kpx1)

adl0081

<http://hdl.handle.net/2333.1/dz08kpx1>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

حسب الامر حليل القدره على حضرت امير

(امان الله خان) اداوم الله سلطته

الى بعيد الزمان

کتابچه  
نظامنامه مالیاتش  
کرومی

در چهارچایه نسکی با شینخانه تبار که طبع شد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي

الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ - پس از اظهار جهاد

فداوند یکتا جل و علی بود و در روح

۳۳

مطهر حضرت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله

اجمعین الی یوم الدین

این نکته نهایت واضح است که مدار

جریان معاملات و اساس ترقی هر

دولت منحصر بر ثبات و جامعیت

اصول نظامنامه های آن بنا بر

ملاحظه فوق چونکه در دولت مستقره

شأنه ماصورت اخذ مالیات و نظایر

آن بیک صورت غیر منتظم ناقص بود و از

حضور شأنه مابدهی مالیات تقد و

صورت اخذ و تحصیل و دفتر آن تقریر

اصول جدیده مقرر گردید و برای

انضباط آن نظامنامه ایته که حالاً

مشتمل بر (۲۷) فقره است از

۵

حضورشان تا زمانه ما گذشته امضا شد

از م که مامورین و تبعه مالیات بموجب

آن عمل نموده و در هیچ صورت از آن

تخلف نکنند .

قره اول

ملکان قمریه جات را لازم است که

بجزو جریسی زمین مرزوعی و قنوات

و چشمه سار و باغی اسامی بالیده و تعلقه  
ملکی خود را کلاماً بتفصیل اسم و ولد و سکن  
بدقت کارگزاری قلم او بدون کم و زیاد  
بدهند و بعد از دادن طومار قلم را در  
کتاب خط از نامبردگان گرفته شود  
که اگر ثانی بقلم اوی شان چیزی  
تفاوت ظاهر شد از تاریخیکه بدقت

کارگذاری قلمداد کرده چشم پوشی  
نموده فی جریب از مزروعی و باغی  
میت پر پویه از ملک و جهل رویه از  
صاحب زمین - و از قنوات و خسار  
صدر پویه از ملک و دو صدر پویه  
از صاحب زمین بطریق جرمیه بدین  
ملازمان کارگذاری گرفته تحویل خزان



نموده و رسید آن بحضور آورده شد

فصل دوم

جزو املاکات نزاعی و باغی گران

مکان گرفته میشود اگر نسبت بخریدی

سابق زیاد شود بطی اطوار با دو یا

قلم اندازی کار گذارنده است

اورا بقرار مالیه پلوان شیریکس بنجیده

بجمع ملک بسته با سامی تکنت بد

و ملک را بسبب خدمت مومی الیه

کرید دولت مقدس خود مینمایید یک

انتیاء خصوصی از حضور برایش اعطاء

میشود. و از حضور شاهانه از گذشته

آن صرف نظر کرده بازخواست نمی

فرمایید هرگاه ملک داخل طومار

۱۰

قلمدادی خود نیاورده بود بندرالع و دیگر  
بدقت کارگذاری رسیده و تحقیق  
و ثبوت شد از ملک و اسامی بقرار  
فوق جریمه گرفته شود - و نیز مالیه آن  
از سال اول بست و تسبیح نظامنا  
گرفته میشود - و ملکان جزو ملک داری  
اسامی رعایا را در (پانزدهم) ماه جو  
پیشند

# قصر سوم

ملکان که جزو ملک داری رعیتی تعلق  
 خود را باید قرا کار گذاری سپردند کار  
 گذار را باید که جزو تعلق ملک آن را  
 بسیرشته اصول دقیری داخل  
 کتاب انوار ترا ملاکات نماید  
 و از روی کتاب مذکور برای هر فرد

الکتاب فی التعلقات

رعیت تکت مالیه دی آن را بکافند

چپانی بمرکار گزارى بدمد که رعیت

داد خود و البته ملکان از او شان

ضاد ستانی نکند - بدون

سلیغ و اخلا تکت ملک رعیت

یک چیزی حق ندارد که بگیرد .

فیه ایضا

# قهقه چهارم

از حضور ذات شامانه گرفتن اخذ

بالیه بدو قسط متفرک رویده که قسط اول

وز راه سینه که فصلی ریح کا ملا

با تمام میرسد و قسط (دووم) براه جدی

که فصل خریف برده است فیشود

برگاه شخصی و بالیه الیانه و مکی

خود را بقسط اول برساند برضا و رغبت

خود و از دین بیت اسکال خود را

فایز ع الببال بسازد منظور است بلکه

اعتبار شخصی او تا یکدرجه بزرگتر  
رست

خواهد بود .

فصل پنجم

از دفتر کارگزاری برای ملکان

کتاب رسید چنانی داده شده

که ملکان ده روز قبل از رسیدن

ماه قسط رعایای تعلقه خود را برای

آماده کردن وجه قسط اطلاق میدهند

بروز اول ماه قسط شروع بوجه تحسلی

مالیه کرده الی (بیت روز) کاملاً وجه

مالیه قسط مقرر را تحسلی نمایند و از



وقر کارگزاری برای ملکان کتاب  
رسید جهانی داده شده که هر ورق  
آن سه پارچه میباشد که یک پارچه را  
نقطه اول و پارچه دیگر را نقطه دوم  
رسید میدهند و پارچه سوم که کتاب  
باقی میماند صورت گرفت و وجه را  
نوشتند که در وقت ضرورت

۱۷

بمقام شاهد و دلیل بوده مثبت رسید اساساً  
باشد اگر رعیت بکاغذ سفید رسید  
گرفته بود و در بین رعیت و ملک گفتگوی  
واقع شد رسیدند که در سند شمرده نمیشود  
بدون شاهد و اثبات در صورت  
ثبوت بقدر داخله تکلیف جرمیه از  
ملک گرفته شود .

# فقره ششم

وقتی که ملکان وجه اقساط را بموعد آن

تحصیل کردند کاملاً وجه تحصیل خود را

تحویل خزانه نموده رسید از دربار

ابوبجمعی خود و دفتر کارگزاری بدو

جزو حاصل دارند .

# نقده بنفتم

از دستگار گذاری برای ملکان تملکت

جزوارا سامی جمع دبی شان داده

شده ملاستحضار و دولتگی

ملک حاصل باشد که فلان اسامی

در جمع من مالیه دبی داد و جمعگی

من اینقدر وجه میشود و مناصف

جمع مذکور که یک قسط است یدار

وقتیکه ملک وجه تحصیل خود را تحویل

نمود و رسید حاصل کرد و رسید را

بدو کارگذار آورده کارگذار وظیفه

فرض منحصی خود را بقراردیل معول

دارد و

(اول کارگذار تکت ابواجمعی ملک را)

بیده مشخص کند که قسط ملک چند میشود

در سید خزانه را موافق بقسط نماید اگر چه

قسط پوره و کامل رسیده بود رسید

خزانه را ضبط کرده نقل رسیده آنرا

بخرج ابوالجمعی ملک نوشته رسید

کند.

(دوم) اگر ملک وجه قسط ابوالجمعی خود

۲۰۴

پوره تحویل خزانه نگورده بود و مسک حساب

بموجب فقرات نظامنامه مذکور داشت

در این صورت ضرورت است که ایامیکه

وجه قسط بایسته نماید او و نشان بدید و

یا وجه سرکار را برساند .

(سوم) وقتیکه ملک قلمداد کرد و

اگر فلاته شخص وجه قسط را برسانیده

۲۳

مخص بکفته او اعتبار نمیشود کتاب  
رسید چهاپی که نمبر است است و برا  
ملک داده شده فوراً به نمبر اسامی  
تقابل شود اگر هر دو پارچه رسید  
چهاپی اسامی مطابق نمبر موجود و سفید  
بود حرف ملک قابل اعتبار شمرده  
به همراه مذکور ملازمان کارگزاری مقرر



۲۳

میشوند که اسامی را حاضر کنند.

(چهارم) در حالیکه اسامی مطلوب

حاضر شد برب زسانیدن مالیه

بمواجه ملک پرسیده میشود. اگر

اسامی بدون رسید ملک و یا

تمسک حسابی بود و سند از کار گذار<sup>ی</sup>

داشت از قرار فی تومان (نخروپیه)

جریمانه سنجیده بذریعه ملازمان کارگذار  
بعه مالیه قسط مذکور حصول و تحویل خزان  
شود - از وجه مالیه که بذریعه ملازمان  
کارگذاری تحصیل شود برای ملک  
ملکانه داده نمیشود - هرگاه اسامی  
بکارگذاری حاضر گردیده بکاغذ سفید  
سید ملک را حاضر کرده در حضور

۲۶

ملک قبولدار شودید و ن اثبات  
که صحیح است فی تومان (پنجویس)  
جریده بمجاصل و جواز ملک (پنجویس)  
کایلی از اسامی گرفته تحویل خزانه شود  
ییبی که خلاف نظامنامه رفتار  
نموده رسید بکانه سقید گرفته  
ویا ملک از گرفتن وجه اسکاردا

باشد و رسید را ساختگی می شود

رسید مذکور که بجا عهد بقید باشد بدو

رسید چنانچه اعتبار ندارد باز هم علم

آوری زیاد شود هرگاه ملک ملامت

شد بقراقره (پنجم) جریمه گرفته شود

و از اسامی جریمه آن مطابق وقت

بهدا سه مرتبه تکرار از ملک چنین فعل

۲۸

بظهور برسد از طرف دولت معزول

(پنجم) چهار ماده ققره (مفتم) که ذکر

شده اگر کار گزار از سرگذرانیده

باز خواست نکرده وجوبیت اموال را

تحصیل و تحویل نکرد معلومدار غرض

شخصی و مدعای نفسی او گفته میشود

وجوب باقی قسط مالی بجهت مجرمیه متقرر

۳۱

مذکور را بدیگری کرده داده و یا بالای

خود او بقروشن رسانیده و ج

سکار را تحصیل نماید که بدیگر سال

باقی ماند .

قره نهم

اگر شخص مالیه قبل از برداشتن

حاصل مفور و یا بجهت گرفتار

۳۲

گردیده جس شد ملک قریه را بیاید  
که زمین مذکور را با قریه می او بسپارد  
و بر وزیر قریه حاصل ملک حاضر بود  
مال او را سیاه کرده تحویل او  
نماید مالیه سرکار را از تشخیص حاصل  
تحویل او شده بگیرد - هرگاه شخص  
مالیه ده بجز از برداشتن حاصل

مفرد رویا گرفتار حبس و جنایت گردد  
چون وجه اقساط بجهت جرمیه گرفته میشود  
اگر حصول نشد مطابق حکم قفله (ششم)  
معمولاً اشتت شود .

### قفله هفتم

شخص زیندار یا فراری یا حبس گردد  
توجه قریب نداشتت که زمین مذکور



۳۴

با و سپرده شود - هرگاه زمین مذکور  
زراعت شده باشد و در همان  
مذاشته باشد ملک سپرد و مقاب  
نموده با خبری و هو شداری حاصل  
آن وانماید - و بدقت کارگذاری  
کیفیت آن را تحریر دارد - که  
در وقت فصل شخصی از کارگذاری

۳۵

مقرر شود که با اتفاق ملک رفع حاصل  
آن را نموده جنسی آن را بفروشد ساینده  
بد قمر کار گذاری سیاه آن را حاضر  
دارند هر قدر وجه که شد مالیه زمین مذکور  
بد ریعه ملک تحویل خزانة شود و باقیما<sup>نده</sup>  
وجه آن را ملک بخزانة تحویل کرده  
رسید امانت گرفته بد قمر کار گذاری

حاضر دارد که ثبت شود چنانکه اسامی  
صاحبش پیدا شد بکار گذاری آمد  
اگر جنابتی نداشت بموجب رسید  
امانت وجه آن بخرانه حواله داده  
میشود بسال دیگر زمین مذکور را ملک  
اجاره بدهد تا مالک زمین بیاید  
همه سال وجه مالیه تحویل خزانه باقی

۳۷

آن امانت بخزانہ تحویل شود .

قصره یازو ہم

برای مزروعات باغائیکه آفت

سماوی و خشک آبی برسد فوراً

رعایا و ملک بکار گذاری آمده

بکا عذر سہمی در خواست نمایند کار گذار

بموجب در خواست شان از دفتر

۴۸

میزمقرر کنند که بالای زمین های آفت

رسیده و سوخته رفته علم آوری

نمایند - و علم آوری مذکور به تقریب باشد

(اول) زمین ها و باغاتیکه کاملاً

ضرر رسیده باشد .

(دوم) اینک مناصف را ضرر و باقی

آن سالم باشد .

۳۹

(سوم) که قدری ضرر رسیده باشد  
ملک و مینیر تعیین و تفریق نموده  
طو مار مینیر خود را مبر کرده بکار گذاری  
بپارند- کار گذار بعد از تدقیق  
لازمه و طبقه فرض منصبی خود زمین  
مزد و عی و باغی و قنوات و چشمه  
بموجب مواد معموله دارد :

۴۰

ع  
(ماده اول) در باب زمین مزروعی

و غیره که ضرر رسیده باشد در صورت

دارد - یا در فصل ربیع است - و یا در حشر

ب  
(صورت اول) فصل ربیع قسم خواهد بود

(قسم اول) اگر کاملاً ضرر رسیده

بود وجه مالیه آن بقسط دوم سال

اینده گرفته شود - (قسم دوم) که منصفه

۴۱

ضرر رسیده باشد بقط اول

سال آینه گزیده گرفته شود.

(قسم سوم) که قدری ضرر رسیده

باشد بقط دوم سال مذکور گرفته شود

(صورت دوم) در ایام و منکام

فصل خریف اگر ضرر رسیده

دو قسم خواهد بود (قسم اول)



۴۲

اگر ضرر کامل رسیده باشد مالیه تقبیط  
دوم سال آینده گرفته شود (قسم دوم)  
اگر مناصف و یا قدری ضرر رسیده  
بود بقسط اول سال آینده گرفته شود  
(ماده دوم) در باب باغی و سر درختی  
اگر کامل ضرر رسیده باشد بقسط  
اول سال آینده - هرگاه مناصف

۲۱۳

ضرر رسیده بود بقطر دوم سال  
مذکور گرفته شود- در باب این فقره  
چون سرکار ملک را جمع بست نموده  
در سال ثانی که زمین دار کما فی  
میکند و حاصل زیاده میبرد و  
بدولت اضافه از مالیه نمیرساند  
دولت حق دارد که مالیه خود را بگیرد

۴۴

مگر چون رعیت و دولت یک وجود  
هستند با قساطرعات آن کرده شده  
که در فوق ذکر است  
قهقهه دروازدهم  
زمین بای مزروعی و یا باغ را اگر  
آب برد و یا قنوات سد و خشک  
و خراب شد از دو حال خالی نخواهد بود

۲۵

اگر بعد از فضل باشد مالیه آن گرفته  
میشود و اگر قبل از فضل باشد بعد از  
اخبار صاحبش و تحقیق سبب  
خرابی کیفیت مینیری آن بحضور آورد  
بقرار حکم مجری داده میشود مگر ملک  
قریه را لازم است که اسامی را بکار  
حاضر نماید که موعده آبادی آن بود  
مشخص کند

۴۶

هرگاه اسامی مذکور صاحب استعداد  
نیوومینترتقرر شود که پیمایشس مخارج  
آن را نماید و از روی طومار مینر که  
پیمایشس شود از مخطبات آن چهار  
آن را سنجیده بقرار محبت شرعی  
وضمانت بصیغه تعاوی بقرار احکام  
از طرف سرکار وجه داده شود

۴۷

که آباد نماید چنانکه آباد شد بقرار موعده  
مقرره ملک بکارگذاری اطلاع  
بدهد که مالیه آن بسته شود و وجه لغاوی  
پنج سال با قساط اخیر سال گرفته  
شود اگر اسامی زمین خود را آباد  
نمیکرد و خط داده و اگذار شود که بدیگر  
داده شود هرگاه ممکن باری نداشته

۴۸

### قصره سینه و هم

اگر صاحب زمین املاک مرزومی

خود را بهال غرس نموده باغ سا<sup>خت</sup>

بسال اول ملک بکارگذاری

خبر میدهد که مقرر شده علم آوری

نماید - تا مدت پیمسال که اشجار

آن شمره نشد مالی مرزومی گرفته شود

بسال ششم بالی باغی بسته و گرفته شود

قهوه چهاردهم

شخصیکه زمین باغی داشته باشد

و اشجار آن را بکشد ملک قریه را

لازم است که بکارگذاری خبر بدد که

بالیه مزروعی بسته و گرفته شود.

بالیه مزروعی بسته و گرفته شود.



۵۰

## قزو پا نزد هم

قیمت زمین های مخروب از قرار فی

جریب سه روپیه - و چمن های جریب

ده روپیه بخته مقرر شد - اگر کسی نو آباد

میکرد و وجه آن را تحویل خزانہ کرده

باید بکار گذاری اطلاع داده و در

موضع آبادی آن را نماید - بسا لیک

۵۱

بذرافشان نمود ملک قریه را لازم است  
که قبل از بذرافشانی بکارگذاری حوال  
بیدر چنانکه بذر نمود بعد از جریب نمود  
هر قدر که مالیه پلوان شریک قریه  
مذکور باشد بسال [اول] چهار یک  
بسال [دوم] مناصف [بسال سوم]  
سه یک [بسال چهارم] کامل مالیه پلوان

شریک گرفته شود .

قره شازدهم

اسامیکه سابق بلحاظ تکالیفات

خود را قطعه برات کرده بودند حال

از حضور تکالیفات بر احم ملوکاته

موقوف شد قطعه برات بدون مو

ست . اشخاصیکه قطعه برات بودند

کامل در جمع ملک قریبه شوند.

### قریه مفد جم

قریه استادست برای هر قریه یک

ملک لازم است کارگذار حی و وقت

کند که در یک قریه یک شخص ملک

مقرر باشد اگر باشد بود ملک میگوید

منظور است هرگاه شخصی یک سه قریه

۵۴

باشد جمع قریجات هر کدام علی‌ه علیهم  
سته میشود مگر بشرطیکه کامل ملک  
قریه باشد .

قصره بجد هم

مقرری ملک با انتخاب رعیت است  
که در سه سال مقرر میشود لیکن رعیت  
باید ملک شخصی را انتخاب کنند

۵۵

که صاحب هستی و جای داد و ظاهرت  
بصلاح دینی و دنیوی آراسته باشد  
در موعد انتخاب تا جنایت و قبا<sup>حت</sup>  
و حیانت از نامبرده بظهور نرسد  
معزول نمیشود - هرگاه این افعال  
از نامبرده بظهور رسید موقوف  
و طرد گردیده دیگر ملازمت او بدو<sup>ست</sup>

۵۶

بطلانی آن بر قیمت منظور و مقبول نشود

### قصره نوزدهم

شخصی زمیندار بعد از ملک کارگزار

اگر زمین خود را بیک شخص کاملاً

بفروشد رسانید و قبل از برداشتن

حاصل بود - باینج و مشتری بدقت

حاضر شوند در صورت اگر مشتری

زمین دار صاحب ملک بود زمین

خریداری به ملک خود او افزوده ملک

اسامی باین ضبط میشود هرگاه شمی

سابق زمین بداشت همان ملک

باسم خود او قید میشود و اسمی ملک

خط و اده میشود اگر بعد از برداشتن

فصل بر بیع زمین خود را بفروش سازد



۵۸

بفصل خریف ملک تبدیل داده  
نیشود و مالیه قسط دوم بنام صاحب  
اول زمین بمعرفت خریدار ترقیم  
میکرد و مگر ملک بجز و قلدادی خود  
در اخیر سال بنویسد و یا از منجه ازین  
خود اسامی چیزی را بفروش  
رسانند و چیزی باقی ماند اگر قبل

۵۹

از فصل و رسانیدن قسط باشد

موضوعی شود - در صورتیکه بعد از

فصل و قسط اول باشد موضوعی

نمیشود مالیه را مشتری بنام بائع برساند

در سال آینده بقرار قلمداد ملک بمیشود

نگیط داده شود .

# قصریه ششم

کارگذار بدقت کارگذاری حساب

ملکان را علیحدّه و حساب توابع را

علیحدّه ساخته جمع کل علاقه کارگذار

خود را حساب بسازد که قسط ملکات

و توابع و کل رسیدگی و باقی نشان

بیک نظر معلوم باشد و بعد از خیر قسط

کتاب ما را از ملاحظه حضور بکنند و آن

و علم حضور مبارک را بجمع کل وقت

و رسیدگی بیاورد تا انحصار

صاحب دولت حاصل شود و

خود ملکان را نیز بحضور حاضر دارد.

قهر و بیست و یکم

ملکانه ملکان و تجاره عمده بولک بدو  
قط

واده میشود. ملکان از وجه قسط  
حصولی خود ملکانه را بگردانند و عملاً  
کارگذاری از دفتر اسمی خزانه خوا  
بگیرند.

### قره بیت و دوم

سرکار و الا از روی رعیت نواز  
و عدالت گستری تشو اجناس

۶۳

مالیه تعلقه شش کروبی را بقرار

ذیل منظور فرموده اند که وجه نقد گرفته

شود تا رعیت از سرگردانی کدام

وبرات دار و غیره فارغ باشد .

گندم فی روپیه را یکسیر - جو فی روپیه را

یکسیر و یکهارک - جواری و شالی

فی روپیه را یک نیم سیر - گاه سفید فی هر

بجده روپيه . . .

قهقه بيت سوم

اين تعمير استقل تا سه سال منظور است

بعد از سه سال تخويز علجه شود

بسيب كه نقصان رعيت و سرکار نشود

قهقه بيت چهارم

از طرف سرکار و الاماليه رعيتي

۶۵

نقدی مقرر گردیده در صورت محاذ  
اجنبی اگر جنس بکار سرکار شور بوقت  
فصل بقرار مالیه دمی اسامی جنس  
گرفته می تواند کرد و قیمت جنسی بقرار  
تسویه مستقل سه ساله مجرا داده شود  
و بدقت و ملک اسامی و ملک نقد  
قیمت شود - بدون ضرورت محاذ به



نه کار بد بگرد وقت جنس نمیکیرد و  
کار آمد خود را بنرخ روز نینخرد

قفر و بیست و پنجم

رعایای که دعوی آب بخشی و

یا گفتگوی زمین داری داشته باشند

باید بجار گذاری حاضر شوند که

تحقیق قفر منازعه شان بقرار

۶۷

حسابی شود - هرگاه تصفیه آن بحسابی  
نشده البته از کارگذاری بنظارت  
عدلیه فرستاده میشوند .  
فهره بلیت و ششم  
برای گفتگوی حسابی و قرارداری شخصی  
که بکارگذاری خواسته میشود  
(اول) بدست مدعی جلب نام

داده شود اگر بواسطه جلب نام

حاضر شد امر احضار و <sup>صاحب</sup>محصل فرستاد

میشود - در صورتیکه بامر احضار حاضر

شده در پویه جرمه گرفته تحویل خوانده

شود و رسید آن را بحضور

حاضر دارند لیکن وجه جرمه بخوانده

بواسطه مجرم تحویل شود

قصر بیست و هفتم  
جمیع انواع تکالیف از حضور کامل  
موقوف گردیده احدی را اجازت  
نیست که بالای رعیت چیزی  
حواله کند هر کار دارو یا ملک چیزی  
تکالیف بالای رعیت حواله  
کرد و بحضور رسید باز خواست میو  
شد بدو

۷۰

# اعلان

بعضای رعایای صداقت شعار پوشید<sup>مباد</sup>  
که نظامنامه مذکور که مشتمل بر بیت و <sup>مفت</sup>  
قره تن کتاب هدایا باشد برای  
رفاهیت شمایان از حضور رقیب  
شکم گردیده منظور شد که کارگذار  
دولتان و شمایان به اوقات مذکور <sup>مشتمل</sup>

۷۱

تکلف انحراف نور پدید کتابت برای

(مکتب مبارک حبیب)

واژه شنی ۲۹ ماه قمری ۱۳۳۶



۷۲

بتاریخ یوم پنجشنبه ۱۷ ماه

ذی قعدة الحرام

بقلم غلام سرور كاتب

تحریر شد

فی ۱۳۳۳

بجری ۲

۱۳۳۳

۱۳۳۳





